صفحه‌آرا: علیرضا بهرامی

هیس، کارگران کوچک دیکته می‌نویسند!

کلاس اول دیگری در طبقه دوم برپاست که در آن ۸ دختر و ۷ پسر یک گوش خود را به نکات آموزشی خانم صادقی خوابانده‌اند و گوش دیگرشان را به پچ‌پچ کردن‌های دوستانه سپرده‌اند. میانشان، میراحمد ۹ساله دوزانو روی نیمکت نشسته و دفتری با برگه‌های یک‌درمیان پاره و مچاله از ته کیف وصله‌دارش، بیرون می‌کشد تا برای املانویسی آماده شود. خانم صادقی صدا صاف می‌کند و واضح و شمرده‌شمرده می‌گوید: «خب... بنویسید... آب...». «چی خانم... یه‌بار دیگه می‌گید...». عزیز و عایشه و محمدحمید، فرصت تکرار یا پاسخ را از خانم صادقی می‌گیرند: «آب دیگه! چی رو دوباره بگه آخه؟ آب... آب... خیلی سخته؟ همون که وقتی تشنه‌ای، می‌خوری!» از خنده شهرام و سعید که انتهای کلاس سر در یقه هم برده‌اند، خانم صادقی به جد تذکر می‌دهد. نیمکت مقابلشان، رضای ۱۰ساله تکیه زده که حین نوشتن املای «آب»، تازه متوجه روغن سیاهی می‌شود که ناخن‌هایش را چرک و کثیف می‌نمایاند.

مدرسه نان‌آوران کوچک

درباره کلاس‌های سواد آموزی که دانش آموزانش کودکان کار هستند

زندگی

سحر جعفریان
روزنامه‌نگار

هنوز دهانش از آخر خمیازه اول، کامل بسته نشده که به اول خمیازه دوم، باز می‌شود؛ دهن‌دره پشت دهن‌دره. جسم خرد و جان کمش از کار زیاد مونتاژ قطعات سنگین لوستر و آباژور خسته است. با این حال، اما شش‌دانگ حواسش را داده به تخته سفید کلاس سواد آموزی خانه کودک ناصرخسرو و صدای بلند خانم طوفان‌پور (یکی از قدیمی‌ترین معلمان داوطلب) که هر صبح از ۷:۳۰ تا ۱۰:۳۰ به تعلیم و تعلم کودکان کار می‌کوشد و حالا هم چنین می‌آموزد: «ز... مثل زمین...». شیر آقا و باقی همکلاسی‌هایش مانند ستار، عزیز، امیر، زهره، گل‌خانم و پرنیان که همگی اتباعی از کابل، هرات، بدخشان و بلخ افغانستان هستند به جای «زمین»، همصدا می‌گویند: «زیمین». خانم طوفان‌پور هم که از صبر و حوصله هیچ کم ندارد، مثال نشانه «ز» را تکرار و تکرار می‌کند آنقدر که هر یک از دانش‌آموزان قد و نیم‌قد ۹ تا ۱۶ساله‌اش لهجه از مثال خوانده‌شده، بردارند؛ دانش‌آموزانی که نان‌آورند و اغلب بازیگوش که نیمکت‌نشینی سخت‌شان است و سرمشق‌نویسی هم مشقت‌شان. این قصه هر روز و هر سال از مدرسه‌ای است که کارکنانش همه داوطلب و جهادگر و دانش‌آموزانش همه کودکانی کارگر و با ملیت‌های متفاوت هستند؛ کودکانی که به گواه آمار مدرسه، بیش از ۴۰درصدشان به چرخه تحصیل بازگشته و در بزرگسالی، خرج از دخل همان شغلی که آرزو داشتند مانند پزشکی، وکالت، پرستاری و معلمی درآورده‌اند.

زنگ تفریح و وقت چاشت

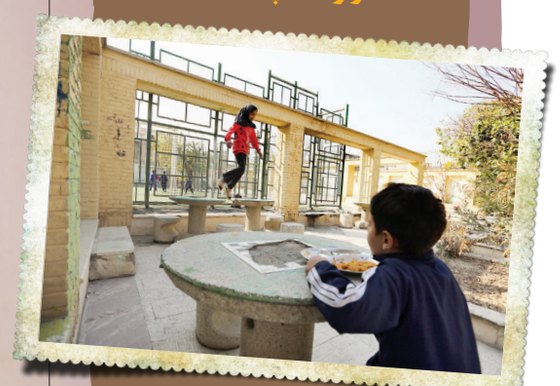

کلاس آخر این مدرسه نیز در همان طبقه دوم جا گرفته که دانش‌آموزانش به قرار ۶پسر و ۵دختر درس‌های سال دوم دبستان را می‌خوانند. اغلب‌شان نیز به‌کار خیاطی و مکانیکی مشغولند که باید پیش از ساعت ۱۱ خود را به محل کارشان برسانند. «لیلا شیخی‌پور»، مدیر خانه کودک ناصرخسرو نگاهی به ساعت می‌اندازد. ساعت «۹:۳۰» و این درست زمانی است که باید دکمه زنگ متصل به بلندگوی قدیمی را برای اعلام زنگ تفریح بفشارد. پیچیدن صدای زنگ تفریح در فضای مدرسه همان و سراسیمه‌شدن دانش‌آموزان نان‌آور نیز همان. ۴۵ دانش‌آموز که مددکاران خانه کودک پرونده‌شان را برای بهره‌مندی از خدمات آموزشی و معیشتی خانه زیرنظر انجمن حمایت از حقوق کودکان تأیید کرده و حالا جلوی در آشپزخانه به نوبت ایستاده‌اند تا با خوردن دستپخت آمنه‌خانم (آشپز مدرسه) به‌عنوان میان‌وعده که خودشان «چاشت» نامش گذاشته‌اند، دلی از عزا درآورند. اما پیش از خوردن، مشامشان از بوی خوش ماکارونی، پر و سیر می‌شود. شیر آقا و میراحمد و عزیز، سینی غذایشان را گرد میزی می‌برند و تند تند رشته‌های ماکارونی را با دست به دهانشان فرو می‌دهند تا فرصتی برای مسابقه فوتبال در زمین چمن گوشه حیاط داشته باشند. آن‌طرف‌تر، دختران اما آرام و قرار دارند به خوردن ماکارونی و گفت و شنودی دخترانه.

کودکان مشغول درسند!

کودکان کار اتباع که از تحصیل بازمانده‌اند، حدود ۷صبح هر روز (ماه مهر هر سال تا خرداد سال بعد) پا به راه خیابان ناصرخسرو می‌گذارند و از میان جمعیتی شتابان که یا حجره‌دار یا کارگرند و نیز از کنار جمعی کارتن‌خواب می‌گذرند تا خود را به یکی از آخرین پیچ‌های کوچه‌ای تنگ و طولانی برسانند؛ همان جا که در و تابلوی سردر مدرسه‌شان (خانه کودک ناصرخسرو) نمایان است. برخی‌شان مانند سارای ۹ساله که کمی از تارهای نازک و طلایی موهایش، درشتی چشمان تیله‌ای‌رنگش را پوشانده، همراه مادر و خواهرانشان می‌آیند و برخی دیگرشان هم مانند سیدمحسن به‌تنهایی راهی این مدرسه که بیش از ۲۰سال است از میان حیاط فراخ و پردرخت و اتاق‌های پنج‌دری خانه‌ای صدساله برآمده، می‌شوند. روال این است که بعد از به‌صف ایستادن و کمی ورزش و البته میل لقمه‌های صبحانه از نان و پنیر و چای تا عدسی و آش، یکی پس از دیگری بر نیمکت‌های کلاس خود قرار گیرند. صدای خانم ناظم شنیده می‌شود: «همدیگه رو هل ندید... نظیر دست برادر تو بگیر، برو توی صف...». اما نه این جمله تأکیدی و نه حتی جملات دستوری دیگر از شیطنت آنها نمی‌کاهد.

شیر آقا، رونالدوی بعد از این!

همراه گل‌خانم ۱۲ساله و فیض‌الله ۱۰ساله، ۳دختر و ۵پسر دیگر وارد کلاس اول در یکی از اتاق‌های منتهی‌الیه طبقه نخست که دیوارهایش به‌تازگی رنگ‌شده، می‌شوند. معلم که دانش‌آموزان، صدایش می‌کنند خانم‌معلم، روی تخته به خطی درشت نشانه «ز» و چند کلمه را که از آن نشان دارند، می‌نویسد: «این کلمه‌ها رو خوش‌خط توی دفترهاتون بنویسید... با هم حرف نزنید... به وسایل هم دست نزنید...» سارای چشم‌تیله‌ای هم در این کلاس نشسته؛ گویی وسواس دارد که مدام مدادهایش را می‌تراشد تا از تیزی آنها مشق‌هایش را خوش‌خط بنویسد؛ آنطور که خانم معلم بپسندد و آفرین‌آفرین بگوید. شیرآقای ۱۱ساله خواب‌آلود تازه رسیده به پشت در کلاس و اجازه ورود می‌خواهد. خانم طوفان‌پور از بالای عینکش او را می‌پاید: «کجا بودی تا حالا که دیر کردی؟» شیرآقا هم بنا می‌کند به چرب‌زبانی با ادبیات گفتاری خاص خودش: «خانم اجازه... نوکرتم به مولا... ببخشید... دیشب ناچار اضافه کار واستادم تا دیروقت... صبح هم که این ریختی شد دیگه... خواب موندم...» کارگر بسته‌بند تولیدی پوشاک است و دلش می‌خواهد فوتبالیست شود و مثل رونالدو پول توپ‌هایی که درون دروازه جای می‌دهد، به جیب بزند.

عکس‌ها: همشهری/ محمد عباس‌نژاد

آگهی مزایده عمومی فروش سهام

شرکت دخانیات ایران

بانک رفاه کارگران
REFAH KARGARAN BANK

شماره ۱۴۰۳/۰۲

بانک رفاه کارگران در نظر دارد نسبت به **فروش ۱۵,۶۴ درصد از سهام شرکت دخانیات ایران به تعداد ۱,۳۵۷,۸۷۰,۱۶۹ سهم به ارزش ۷۰,۰۹۱,۹۰۰,۲۵۳,۶۱۱ ریال از طریق برگزاری مزایده عمومی به اشخاص حقیقی و حقوقی ذیصلاح اقدام نماید.** متقاضیان خرید سهام مزبور می‌توانند از تاریخ انتشار این آگهی حداکثر تا پایان وقت اداری روز **یکشنبه** مورخ **۱۴۰۳/۰۸/۲۷** با در دست داشتن معرفی‌نامه کتبی مشتمل بر درج شماره شناسه ملی (اشخاص حقوقی) به همراه کد ملی (اشخاص حقیقی) در ساعات اداری به اداره سرمایه‌گذاری و امور مجامع شرکت‌ها بانک، به آدرس: تهران، بلوار کشاورز، رو به روی بیمارستان پارس، ساختمان بانک رفاه کارگران، اداره سرمایه‌گذاری و امور مجامع شرکت‌ها بانک مراجعه و اسناد مزایده را دریافت نمایند (شماره‌های تماس: ۰۲۱۴۱۳۷۳۲۸۴ - ۰۲۱۴۱۳۷۳۳۱۰).

شرایط شرکت در مزایده :

۱- ارزش پایه معامله و شرایط پرداخت ثمن معامله به شرح جدول ذیل به اطلاع متقاضیان می‌رسد.

مبالغ به ریال

نام شرکت	دخانیات ایران
سرمایه ثبت شده	۸,۶۸۳,۷۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
تعداد سهام قابل واگذاری	۱,۳۵۷,۸۷۰,۱۶۹
قیمت پایه کل سهام قابل واگذاری	۷۰,۰۹۱,۹۰۰,۲۵۳,۶۱۱ ریال
مبلغ سپرده شرکت در مزایده	۴,۹۰۶,۴۳۳,۰۱۷,۷۵۳ ریال
شرایط واگذاری[1]	۷۰٪ نقد(حصه نقدی) و الباقی اقساط ۳ ماهه طی ۳ سال با نرخ سود ۲۳ درصد سالانه

[1] قیمت اعلامی، قیمت پایه بوده و اولویت واگذاری به ترتیب:
۱- با خریدارانی است که متقاضی خرید نقدی بوده و قیمتی بالاتر از قیمت پایه را پیشنهاد نمایند.
۲- با خریدارانی است که حصه نقدی بیشتر و قیمتی بالاتر از قیمت پایه را پیشنهاد نمایند.

۲- سپرده شرکت در مزایده معادل ۱۰ درصد ارزش حصه نقدی ثمن معامله می‌باشد که می‌بایستی بصورت وجه نقد واریزی به حساب شماره ۵۰۰۰۰۱۴ به نام اداره حسابداری نزد شعبه پردیس بانک رفاه کارگران یا ضمانتنامه بانکی معتبر، غیر از بانک رفاه کارگران با اعتبار سه ماهه بصورت عندالمطالبه قابل تمدید و بی قید و شرط ارائه گردد. حق فروشنده جهت بررسی، قبول یا رد و درخواست اصلاح متن ضمانتنامه در مهلت محدود، محفوظ و متقاضی مکلف به رعایت آن است.

۳- متقاضیان می‌بایست پیشنهادات خود را نسبت به کل سهام عرضه شده، حداکثر تا پایان وقت اداری روز **پنج‌شنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۹/۰۱** به نشانی اعلام شده فوق تحویل و رسید دریافت نمایند. بدیهی است به پیشنهاداتی که بعد از موعد مقرر واصل گردد ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۴- شرکت در مزایده به معنی اطلاع و آگاهی کامل متقاضی نسبت به شرایط شرکت بوده و خریدار با شرکت در مزایده کلیه اختیارات خصوصاً خیار غبن ولو فاحش را از سوی خود سلب و اسقاط می‌نماید.

۵- چنانچه برنده مزایده ظرف مهلت مقرر از تاریخ ابلاغ توسط مزایده‌گذار نسبت به امضای قرارداد تدوین شده توسط حوزه حقوقی بانک و پرداخت بخش نقدی ثمن معامله و ارائه اسناد تضمین اقدام ننماید، هیچگونه ادعایی نسبت به سپرده شرکت در مزایده نخواهد داشت و مزایده‌گذار می‌تواند ضمانت نامه بانکی ارائه شده را به نفع خود ضبط نماید.

۶-پاکت‌های مزایده در **ساعت ۱۰:۰۰ صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۹/۰۷** در سالن جلسات بانک واقع در تهران، خیابان ولیعصر(عج)، نرسیده به میدان ونک، ساختمان بانک رفاه کارگران مفتوح خواهد گردید. حضور پیشنهاد دهندگان یا نماینده قانونی آنان در جلسه با ارائه مدارک شناسایی یا معرفی نامه معتبر، مجاز می‌باشد. در جلسه مزبور صرفاً خریداران حائز رتبه‌های اول و دوم معرفی گردیده و برنده نهایی متعاقباً اعلام خواهد شد.

۷- استرداد سپرده شرکت در مزایده برنده دوم(وجه نقد/ضمانتنامه بانکی معتبر-وفق بند ۲) منوط به انعقاد قرارداد و تسویه کامل بخش نقدی ثمن معامله و دریافت اسناد تضمین از برنده اول مزایده می‌باشد. سپرده شرکت در مزایده سایر مزایده‌گران پس از برگزاری جلسه مزایده مسترد می‌گردد.

۸- فروشنده در رد یا قبول هر یک از/کلیه پیشنهادات واصله مختار است .

پایاسازه پاسارگاد
P.S.P

آگهی مناقصه عمومی

شرکت پایاسازه پاسارگاد در نظر دارد عملیات تکمیلی پروژه ۱۵ ویلای خود در شهرک ماربلا واقع در کلارآباد مازندران را به شرکت‌های پیمانکاری یا اشخاص حقیقی واجد شرایط واگذار نماید. بدینوسیله از تمامی متقاضیان دعوت می‌شود مطابق تاریخ اعلام شده نسبت به دریافت اسناد اقدام نمایند.

شرایط و ضوابط شرکت در مناقصه:

۱. تضمین شرکت در مناقصه به صورت ضمانت نامه بانکی یا چک صیادی ثبت‌شده در سامانه، دریافت می‌شود.

۲. متقاضیان می‌توانند جهت دریافت اسناد مناقصه به صورت مکتوب، نماینده خود را حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۳/۰۹/۰۱ به نشانی زیر معرفی نمایند: تهران، خیابان ستارخان، خیابان پاتریس لومومبا، کوچه کریمی، پلاک ۱۹، واحد ۳.

۳. دریافت اسناد مناقصه به صورت الکترونیکی بر روی لوح فشرده امکان‌پذیر است، لذا متقاضیان می‌توانند با ارائه معرفی‌نامه و تماس با شماره ۶۶۴۲۴۹۸۵-۰۲۱ داخلی ۱۰۳ یا ۱۰۶ برای دریافت اسناد بر روی لوح فشرده اقدام نمایند.